



دانشگاه پیام نور

انقلاب اسلامی و ریشه‌های تاریخی آن

مؤلف

دکتر محمدرحیم عیوضی

فهرست

	پیشگفتار	نه
۱	فصل اول: کلیات و چارچوب نظری	
۳	۱. فرآیند تکوین جنبش‌ها تا شکل‌گیری انقلاب‌ها	
۳	۱-۱ مفهوم‌شناسی جریان	
	۲. مفهوم‌شناسی جنبش	
۷	الف: ویژگی‌های جنبش	
۹	ب: رابطه جنبش و جریان	
۱۰	ج: روند تبدیل جنبش به انقلاب	
۱۱	۳. مفهوم‌شناسی پدیده انقلاب؛ تعاریف و نظریه‌ها	
۱۷	۴. مفهوم و ماهیت "اسلامی" انقلاب	
۲۱	الف: ویژگی‌های انقلاب اسلامی	
۲۱	۱. اصالت معنوی و تاریخی	
۲۳	۲. اعتقاد به امامت	
۲۵	۳. اعتقاد به ولایت و رهبری	
۲۷	۳-۱ چالش رهبری: دیدگاه‌های متفاوت درباره امامت و خلافت	
۲۹	۴. نقش روحانیت مبارز	
۳۱	۵. روحیه ایثار و شهادت	
۳۲	ب: تحلیل فرآیند شکل‌گیری و ظهور انقلاب اسلامی	
۳۲	۱. فلسفه تاریخی انقلاب اسلامی	
۳۶	۲. مبانی فکری انقلاب اسلامی	
۳۷	۲-۱ تفکر سیاسی شیعه از صدر اسلام تا انقلاب اسلامی	
۳۸	۲-۲ ضرورت تأسیس حکومت اسلامی	
۳۹	۳. عوامل اصلی اثرگذار در پیروزی انقلاب اسلامی	

۳۹	الف: رویکردها و نظریه‌ها
۴۰	۱. رویکردهای تک‌عاملی
۴۰	۱-۱ رویکرد فرهنگی
۴۱	۲-۱ رویکرد اقتصادی
۴۲	۳-۱ رویکرد روان‌شناسانه
۴۳	۴-۱ تئوری نوسازی
۴۴	۵-۱ تئوری توطئه
۴۵	۲. رویکرد تلفیقی
۴۷	فهرست منابع فصل اول

فصل دوم: زمینه‌های تاریخی انقلاب اسلامی از صدر اسلام تا آغاز مبارزات اصلاح‌گراخانه

۵۱	سید جمال‌الدین اسدآبادی
۵۱	۱. مروری کلی بر مبارزات و قیام‌های انقلابی شیعه در تاریخ صدر اسلام
۵۳	۱-۱ قیام عاشورا؛ به‌عنوان مهم‌ترین قیام الهام‌بخش انقلاب اسلامی
۵۵	۲-۱ قیام مختار ثقفی؛ قیام ایرانی اسلامی با هدف خون‌خواهی امام حسین(ع) و یارانش
۵۷	۳-۱ اهمیت شناخت مبارزات سیاسی و انقلابی در صدر اسلام
۵۹	فهرست منابع فصل دوم

فصل سوم: ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی؛ از آغاز مبارزات سید جمال‌الدین اسدآبادی

۶۱	تا رخداد قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی(ره)
۶۱	۱. نقش روحانیت به مثابه یک نیروی سیاسی در مبارزات انقلابی و سیاسی از دوره صفویان تا قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲
۶۶	۲. مبارزات و آراء سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی
۷۰	۳. قیام تنباکو به مثابه یکی از مهم‌ترین زمینه‌های انقلاب اسلامی
۷۲	۴. نهضت مشروطیت
۷۴	۵. آراء و عقاید فقهی سیاسی شیخ فضل‌الله نوری برای استقرار مشروطه مشروعه و تصحیح مشروطیت فرمایشی
۷۴	۶. مبارزات فدائیان اسلام
۷۶	۷. مبارزات آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق در جریان ملی شدن صنعت نفت
۸۱	۸. ملی شدن صنعت نفت
۸۲	۹. مبارزات و آراء سیاسی آیت‌الله بروجردی
۸۴	۱۰. نهضت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی(ره)
۸۷	۱-۱۰ اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی
۹۱	۲-۱۰ سرچشمه ولایت فقیه
۹۳	۱۱. اهمیت شناخت مبارزات سیاسی روحانیت و رهبری دینی در تاریخ معاصر ایران

- فصل چهارم: علل و عوامل اثر گذار دزوال و سقوط حکومت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران**
۱. انقلاب اسلامی: بحثی نظری ۹۹
 ۲. علل و عوامل اثر گذار در پیروزی انقلاب اسلامی ۱۰۴
 - ۱-۲ رهبری ۱۰۴
 - ۲-۲ ایدئولوژی ۱۰۷
 - ۳-۲ مردم ۱۱۱
 - ۴-۲ گسترش روحیه و بسیج انقلابی ۱۱۲
 - ۵-۲ برنامه مدرنیزاسیون شاه و پیامدهای آن ۱۱۴
 - ۶-۲ بزرگ‌نمایی قدرت شاه و فشارهای بین‌المللی ۱۲۱
 - ۷-۲ شکاف‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ۱۲۵
 - ۸-۲ بحران هویت ۱۳۱
 - ۹-۲ بحران مشارکت ۱۳۴
 - ۱۰-۲ بحران مشروعیت رژیم پهلوی ۱۳۵
 - ۱۱-۲ سقوط حکومت پهلوی ۱۳۹
- فهرست منابع فصل چهارم ۱۴۳

- فصل پنجم: مروری بر تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران**
۱. نگاهی کلی بر تحولات داخلی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۴۷
 ۲. تهدیدات انقلاب اسلامی به منافع قدرت‌های بزرگ ۱۵۰
 ۳. جنگ تحمیلی و چگونگی وقوع آن ۱۵۱
 - ۱-۳ امام خمینی و جنگ تحمیلی ۱۵۴
 - ۲-۳ جنگ تحمیلی و مواضع قدرت‌های بزرگ ۱۵۵
 ۴. منطقه خلیج فارس و استراتژی قدرت‌های بزرگ در این منطقه ۱۵۹
 - ۱-۴ استراتژی آمریکا در حوزه خلیج فارس ۱۶۱
 - ۲-۴ روابط آمریکا و ایران در منطقه خلیج فارس ۱۶۳
 ۵. آثار انقلاب اسلامی در منطقه خلیج فارس ۱۶۴
 ۶. تأثیرات انقلاب اسلامی بر رشد بیداری اسلامی در جهان اسلام ۱۶۵
 ۷. آینده انقلاب اسلامی؛ تهدیدات و فرصت‌ها ۱۶۷
 ۸. مسائل پیش برنده نوظهور و پیامدهای تحقق آن‌ها در تصویر مطلوب از انقلاب ۱۶۹
 - ۱-۸ افول هژمونی آمریکا ۱۷۰
 - ۲-۸ آینده جمعیت و جایگاه مسلمانان ۱۷۳
 - ۳-۸ بحران‌های اقتصاد جهانی ۱۷۵
 - ۴-۸ ناکارآمدی سازمان‌های بین‌المللی ۱۷۸

۱۸۲	۵-۸ قدرت نرم؛ ارتقای جایگاه فرهنگ در جهان آینده و پتانسیل‌های جمهوری اسلامی ایران
۱۸۵	۹. محدود شدن فرصت استفاده از زور (قدرت نظامی)
۱۸۹	فهرست منابع فصل پنجم
۱۹۱	مراجع

پیشگفتار

وقوع انقلاب اسلامی ایران در دهه‌های پایانی قرن بیستم، یکی از پدیده‌های مهم و بزرگ تاریخ را رقم زد به‌طوری که در سطوح دانشگاهی و مراکز علمی موجبات بهت و حیرت تحلیل‌گران و صاحب‌نظران علوم سیاسی را فراهم آورد. از آنجا که این انقلاب برخلاف سایر انقلاب‌های مدرن از صبغه فرهنگی و ایدئولوژیکی برخوردار بود، بسیاری از پیش‌داوری‌های این تحلیل‌گران را به چالش کشید. در حوزه عمل، تحولات زیرساختی و بنیادی در ساخت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران در پی داشت و نیز موازنه قوا را در خاورمیانه و شمال آفریقا متحول نمود و از لحاظ الگوبرداری، انقلاب اسلامی ایران، جرقه جنبش‌های مردمی و اجتماعی گسترده‌ای را در جهان اسلام و ملل مستضعف آغاز کرد و الگوی رفتاری و عمل سیاسی بسیاری از جنبش‌های مردمی شد که تبعات آن همچنان ادامه دارد.

بر این اساس، انقلابی با این اوصاف و عمق دگرگونی و تحول، طبیعتاً دارای ریشه‌ها و بسترهای تاریخی و فرهنگی و بازتاب‌های عمیقی است که شناخت واقع‌بینانه و علمی از پدیده انقلاب اسلامی ایران از یک‌سو، و نیز شناخت وضع موجود و مطلوب انقلاب اسلامی و آینده پژوهی رویدادها و تحولات آینده انقلاب از سوی دیگر، مستلزم واکاوی و مطالعه این ریشه‌ها و بسترهای تاریخی و فرهنگی دراز مدت و کوتاه مدت است تا ضمن شناسایی عوامل و متغیرهای تاریخی و فرهنگی ایجابی وقوع انقلاب اسلامی، زمینه‌ی برقراری پیوند و همبستگی عوامل مذکور با تحولات

امروزین ایران، منطقه و جهان مهیا شده و گامی در راستای شکل‌گیری بینشی آینده پژوهانه مبتنی بر تاریخ سیاسی و فرهنگی از انقلاب اسلامی ایران، برداشته شود. بدین ترتیب در این کتاب، با هدف آشنایی دانشجویان با انقلاب اسلامی سعی بر آن است تا با ریشه‌یابی و بسترشناسی انقلاب اسلامی ایران در چارچوب تاریخ سیاسی شیعه و حرکات و جنبش‌های قرن اخیر ایران، ماحصل پدیده انقلاب اسلامی در سطح داخلی و خارجی نمایان شود و مهم‌تر اینکه با ایجاد ارتباط بین گذشته و حال انقلاب اسلامی، آینده انقلاب تحلیل شده و بینشی آینده پژوهانه در ارتباط با انقلاب اسلامی و تحولات آتی از آن شکل بگیرد. در پایان لازم است از همه مدیران، همکاران و عوامل اجرایی که اینجانب را در تدوین این کتاب مساعدت نمودند تشکر و قدر دانی نمایم. خصوصاً جناب آقای دکتر خسروییگی و همکاران محترم انتشارات دانشگاه. توفیق همگان را از خداوند منان خواستارم.

محمد رحیم عیوضی

عضو هیات علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع)

فصل اول

کلیات و چارچوب نظری

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رویدادهای سیاسی - اجتماعی نیمه‌ی دوم قرن بیستم به شمار می‌آید. این انقلاب، نه تنها اثری پایدار بر تاریخ معاصر ایران بر جای گذاشت، بلکه دامنه‌های آن جوامع دیگر را نیز در معرض دگرگونی قرار داد. این اثرات بدان پایه بود که با گذشت سه دهه، هنوز بررسی‌ها و پژوهش‌های فراگیری از حیث کمی و کیفی درخصوص این تحول شگرف، در ایران و بسیاری کشورهای جهان پیرامون شناخت آن در دست اجراست. علی‌رغم این حجم از پژوهش‌ها هنوز همه ابعاد انقلاب اسلامی و به‌ویژه اثرات پایدارتر آنکه در واقع فصول مقوم انقلاب اسلامی و متمایز کننده آن از سایر پدیده‌های اجتماعی سیاسی است مورد بررسی قرار نگرفته است. در این کتاب برآنیم تا با نگاهی تاریخی - تحلیلی با علل و پیامدهای انقلاب اسلامی بیشتر آشنا شویم و به‌صورت گام به‌گام ابعاد متنوع انقلاب اسلامی را بررسی نماییم. سعی ما آشنا سازی علاقمندان به موضوع انقلاب اسلامی، با منابع مختلف و متنوع به نحوی است که در هر زمینه‌ی مطرح شده، بتوانند مطالعات بیشتری به انجام برسانند و زمینه‌ی اندیشه و ورزی مجدد در خصوص انقلاب اسلامی ایران فراهم آید. از این حیث تصحیح تصورات و ادراکات پیشین و تعمیق ارزیابی‌ها و نظرات نویافته‌ی در خصوص انقلاب انجام می‌پذیرد و البته بررسی این موارد و نیز روند پژوهی انقلاب اسلامی مقدمه‌ای است برای نگاه به آینده و طرحی همه گیر برای فردا.

در توجیه ضرورت مطالعه انقلاب اسلامی در قالب درسی الزامی برای دانشجویان رشته تاریخ پاسخ به یک سؤال اساسی اهمیت اساسی دارد. به عبارتی بر پایه چه استدلال‌هایی می‌توان از اساسی و جدی بودن مطالعه و گذراندن این واحد درسی دفاع کرد؟ در پاسخ باید خاطر نشان نمود که امروزه پیوند دانش با قدرت، سیاست، دولت و حکومت از وضاحت علم سیاست است. بنابراین دانشجوی رشته تاریخ با مطالعه درس انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن اشراف بیشتری، نسبت به جایگاه و موقعیت خود سیاسی و اجتماعی پیدا می‌کند و به جهت خودآگاهی حاصل از آن، بر توان و قدرت انتخاب در گزینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود می‌افزاید. ثانیاً ایرانی بودن دانشجویان در قالب مفاهیمی چون تابعیت و شهروندی در میان مفاهیم سیاسی جایگاه کاملاً مشخص داشته و در ارتباطات سیاسی داخلی و خارجی مبنای رفتارها بوده و در تعیین نوع برخورد و تصمیمات سیاسی موثر می‌باشد. لذا آنچه که حائز اهمیت است و در کنار اجتناب‌ناپذیری رابطه دانشجو با قدرت و سیاست تأثیر گذار است، آگاهی از جایگاه و هویت سیاسی است که نقش تعیین کننده‌ای در احقاق حقوق و عمل به تکالیف فردی و اجتماعی در مجموعه‌ی نظام اجتماعی که از عضویت در آن بهره‌مندی است، برجای می‌گذارد. سه محقق برجسته رشته سیاست مقایسه‌ای بنام‌های گابریل آلموند، پاول جونپور و رابرت جی. مونت در کتاب خود همین عنصر را مبنای تمایز گونه‌های نگرش افراد به مقوله‌های سیاسی قرار داده‌اند. بر این اساس افرادی که از مسایل سیاسی آگاهند و می‌توانند تقاضاهای سیاسی مطرح سازند و حمایت سیاسی خود را در اختیار رهبران مختلف قرار دهند و عملاً نیز چنین می‌کنند مشارکت‌جو خوانده می‌شوند و در مقابل هواداران قرار دارند، که از مقامات حکومتی و قوانین منفعلانه اطاعت می‌کنند ولی رای نمی‌دهند و خود را درگیر سیاست نمی‌سازند. در مرحله آخر نیز از افرادی یاد می‌کنند، که به طور کامل درگیر خانواده و جوامع محلی خویشند که کوچک‌اندیش خوانده می‌شوند. بنابراین تلاقی هویت دانشجویی با هویت سیاسی امکان‌پذیری تبدیل تبعه بودن به شهروند شدن فراهم می‌آورد، چرا که شهروندی مفهومی سیاسی می‌باشد و منهای آگاهی سیاسی بی‌معنا و حصول‌ناپذیر است. شهروندی نه یک موقعیت منفعلانه بلکه یک موقعیت فعالانه است. حال باید پرسید چه چیزی اصلی ترین متغیر سازنده‌ی سیاست و قدرت و به طور کلی روابط قدرت و اوضاع و احوال در ایران است؟ آیا جز پدیده‌ی

انقلاب اسلامی می‌توان عامل دیگری را برشمرد؟ این وضعیت ناشی از ویژگی پدیده‌ی انقلاب است، بدین معنا که همه چیز را تحت الشعاع قرار می‌دهد. به عبارت دیگر شما نمی‌توانید هیچ مسئله‌ای را در مورد زندگی فردی و عمومی خود طرح نمایید که از پدیده‌های انقلاب اسلامی ایران تأثیر نپذیرفته باشد. بنابراین تقید زمانی – مکانی قدرت و سیاست از یک سو و اهمیت سابقه‌ی تاریخی در چگونگی تحولات و ارتباطات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و آینده‌ی آن‌ها از سوی دیگر سبب می‌گردد که دانشجوی ایرانی برای آگاهی از حقوق و وظایف خود به ارزیابی و شناخت هر چه بهتر و بیشتر منابع، امکانات و ارزش‌های جغرافیایی نظام ملی کشورش، به همراه برجسته‌ترین عناصر دخیل در قدرت و سیاست بپردازد. این مهم نیز تنها با شناخت انقلاب اسلامی ایران و ریشه‌های آن حاصل می‌شود.

۱. فرآیند تکوین جنبش‌ها تا شکل‌گیری انقلاب‌ها: نگاهی کلی

تجزیه و تحلیل جنبش‌های سیاسی – اجتماعی مستلزم آشنایی مفهومی "جریان" و "جریان سیاسی" است. شناخت و تحلیل چگونگی رخداد انقلاب‌ها در پرتو شناخت جریان‌های فکری سیاسی و تحلیل دقیق تحولات فکری و وقایع سیاسی هر جامعه میسر است. جریان‌های سیاسی دارای سازماندهی و ایدئولوژی مشخصی نیستند، بلکه فرآیندی هستند که در جامعه‌شناسی سیاسی منشأ شکل‌گیری جنبش‌های فکری و سیاسی در یک محیط اجتماعی تلقی می‌شود. در تاریخ معاصر ایران جریان‌های مختلف سیاسی در جامعه ایران وجود داشته است که در این میان جریان‌های مذهبی اسلام‌گرا، ملی‌گرا، چپ مارکسیستی، سلطنت‌طلب و جریان التقاطی بیشتر فعال بوده‌اند. برخلاف همه این جریان‌های سیاسی، تنها جریان سیاسی مذهبی، یعنی نهضت مستقل و عظیم امام‌خمينی‌اوج گرفت که همه احزاب و همه آحاد مردم ایران را تحت تأثیر قرار داده بود و منجر به شکل‌گیری قیام ۱۵ خرداد و سرانجام به پیروزی انقلاب اسلامی ۵۷ منتهی شد.

۱-۱ مفهوم‌شناسی جریان

در بسیاری از نوشته‌ها و تحقیقاتی که موضوع آن‌ها «جریان»، «جریان‌شناسی»، «جریان سیاسی» و «جریان فکری – سیاسی» است، دربار ه معنای این واژه بحث و بررسی

صورت نگرفته و توضیحی در این زمینه ارائه نشده است لیکن در اینجا اشاره خواهد شد که این مفهوم در معانی مختلفی به کار رفته است، گاهی به معنای جریان جاری یک پدیده سیال است، مانند عنوان «جریان بین‌المللی اطلاعات» گاهی در معنایی «روندی» یک پدیده مانند عناوین: «جریان مذاکرات هسته‌ای در آژانس بین‌المللی» و یا به معنای مشابه مفهوم «واقعۀ» است، مانند «جریان طبس» «جریان سقیفه» «جریان صلح امام حسن»، «تحلیلی از جریان ملی شدن نفت». آنچه در این پژوهش جریان نامیده می‌شود این است که جریان پدیده‌ای اجتماعی با رویکردی فکری، اندیشه‌ای است که با حفظ اصول و معیارهای قواعد جامعه پذیری و به منظور مشارکت در تحولات سیاسی اجتماعی ایفای نقش می‌کند. برای شناخت «جریان فکری - سیاسی» منتج به جنبش‌ها توجه به روند تاریخی و زمانی جنبش اهمیت به سزایی می‌یابد. در واقع هر جنبش سیاسی، یک پدیده تاریخی - سیاسی است که با خصلت جریان یعنی پدیده‌ای که از یک تاریخ و دوره معین آغاز شده و در مدت یا دوره مشخص و معینی استمرار داشته و در نهایت به پایان رسیده یا ادامه دارد. تأکید بر استمرار بودن آن، نه صرف یک رخداد و حادثه تاریخی، بلکه مسئله‌ای است که باید در ماهیت جریان‌شناسی مورد توجه قرار گیرد. جریان‌ها به لحاظ کمی دارای سطوح مختلفی هستند. از این زاویه، می‌توان در داخل هر جریان، خرده‌جریان‌هایی را شناسایی نمود. جریان‌های سیاسی پدیده‌ای مهم و نقش‌آفرین در شکل‌گیری تحولات سیاسی - اجتماعی می‌باشند که با برخورداری از ایدئولوژی مشخص و گرایش‌های فکری درونی با مدیریت رهبران تحول خواه بر نظام سیاسی و نیز اقشار مختلف جامعه تأثیر می‌گذارد و جبهه، جناح، حزب، سازمان یا نهاد و گروه ویژه خود را بنیان می‌نهد. هدف‌نهایی جریان‌های سیاسی، کسب قدرت و استقرار نظام سیاسی مورد نظر است که آن را از طریق راهبردها و راهکارهای مختلف دنبال می‌کنند. [۱] چنانچه جریان سیاسی با ریشه‌های تاریخی به پیدایی، تکوین، دگرگونی، حرکت، استمرار و تطور اندیشه سیاسی و یا تحول در گروه و جامعه سیاسی در طول زمان مشخص اطلاق گردد، مطمئناً در چارچوب جریان‌شناسی سیاسی مورد بحث قرار خواهد گرفت که از آن جمله خیزش‌ها و جنبش‌های سیاسی - اجتماعی می‌باشد زیرا: «منشاء تکوین و خیزش جریان‌های سیاسی، نهضت‌ها، بررسی ساخت‌ها علل و عوامل فروپاشی آن‌ها، گروه‌ها، قشرها و

طبقات اجتماعی و تأثیر و تأثر عناصر و لایه‌های آن ها، مناسبات، روابط، فعل و انفعالات درونی برونی امور اجتماعی می‌باشد [۲] بنابراین در جریان‌شناسی سیاسی، پیدایی، پویایی و تطور سیاسی در جامعه و نیز ساختار و بنیادهای فکری گروه‌های سیاسی، مورد نظر است. چنانچه گروه‌هایی که دارای گرایش‌های سیاسی همگون یا یکسان مبتنی بر ارزش‌های مشترک‌اند و به سوی پدید آوردن یک خرده فرهنگ سیاسی پیش می‌روند و در یک مقطع زمانی معین در حرکت و جنبش در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته‌اند، به عنوان یک جریان تلقی می‌گردند. [۳] از کلیت مطالب فوق می‌توان چنین استنباط کرد که جریان‌شناسی سیاسی، به معنای یک حرکت سیاسی پویا و سیال است که با برخورداری از گفتمان مشخص و گرایش‌های فکری درونی و با کمک رهبران خود بر نظام سیاسی و نیز اقشار مختلف جامعه تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، جریان سیاسی، پدیده تاریخی و سیاسی با خصلت جامعه‌شناختی است یعنی پدیده‌ای که از یک تاریخ و دوره معین آغاز شده، و در مدت یا دوره مشخص و معینی استمرار داشته و به پایان رسیده و یا ادامه دارد و درنهایت به شکل‌گیری جنبش‌ها منجر شود.

۲) مفهوم‌شناسی جنبش

به‌طور کلی تعاریف و مباحث درباره ی جنبش‌های اجتماعی نیز همانند سایر مفاهیم علوم انسانی گسترده و با ابهام‌های فراوانی مواجه است. تعاریف گوناگونی از جنبش اجتماعی ارائه شده است، برخی بر نقش ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی که آن‌ها را به‌وجود می‌آورند تأکید دارند و برخی نقش تشکل، سازماندهی و شبکه های ارتباطی و برخی استمرار و پایداری آن‌ها را مهم می‌دانند و برخی عنصر آگاهی بخشی و هویت بخشی آن‌ها را برجسته می‌کنند. "جنبش، فرآیند حرکت اجتماعی سازمان یافته در جهت ایجاد تغییرات هدفمند در جامعه است که با اعتراض جمعی و نارضایتی اجتماعی همراه بوده و دارای رهبری و انسجام درونی می‌باشد. در این تعریف عناصری مورد تأکید قرار دارد که عبارتند از سازمان‌یافتگی، وجود یک گفتمان و ایدئولوژی، اراده بر تغییرات اجتماعی و هدفمندی. البته برخی اعتراض را جنبش اجتماعی می‌دانند. علت این است که مفهوم اعتراض در تعریف جنبش اجتماعی

جایگاه ویژه‌ای دارد. " لازم به ذکر است که جنبش با اشکال ابتدایی رفتار اجتماعی (از قبیل آشوب) متفاوت است زیرا جنبش ها سازمان یافته تر و پایدارتر از رفتار جمعی دیگر است. [۴] جهان به هم پیوسته کنونی امکان جداسازی دقیق حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از هر پژوهشگری سلب کرده است. تا هنگامی که یک گروه کسب قدرت سیاسی را هدف خویش قرار نداده باشد و تنها با فعالیت های اجتماعی خود به طرح اعتراضات، اشکالات و نابرابری های موجود در ساخت حقوقی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسنده نموده و تقاضای اصلاح آن را می نماید به عنوان یک جنبش اجتماعی قابل طرح و شناسایی است. گی روشه در کتاب خود با عنوان "تغییرات اجتماعی" جنبش اجتماعی را عبارت از سازمانی کاملاً متشکل و مشخصی می داند که به منظور دفاع و یا گسترش و یا دستیابی به هدف های خاصی به گروه بندی و تشکل اعضا می پردازد. [۵] تام باتامور در کتاب جامعه شناسی می گوید: در تحلیل عمل سیاسی - یعنی مبارزه برای قدرت- لازم است اساساً به فعالیت گروه های اجتماعی نگاه کنیم نه به اعمال افراد هرچند ممکن است گاهی لازم باشد که نفوذ افراد به خصوص را در بررسی وضعیت های خاص حساب کنیم گام نخست در این تحلیل تشخیص شیوه های گوناگون گروه های اجتماعی در پرداختن به سیاست و ماهیت این گروه هاست. آشکار است این گوناگونی بسیار زیاد است و از اعتراض های پراکنده، اغتشاش، شورش و کودتا تا فعالیت های به هم پیوسته احزاب سیاسی سازمان یافته، گروه های فشار یا افسران نظامی سیاسی شده را دربر می گیرد. اما بیشتر این پدیده ها می تواند در دو مقوله وسیع که من از آن ها به عنوان جنبش های اجتماعی و فرماسیون های سیاسی سازمان یافته یاد می کنم جای می گیرد. [۶] به عقیده دیانی در طبقه بندی نظریه ای جنبش اجتماعی می توان به چهار رویکرد اشاره کرد. این چهار رویکرد که هیچ کدام به معنی یک مکتب واقعی نیست شامل رفتار گرایی، بسیج منابع، فرآیند سیاسی و جنبش های اجتماعی جدید می باشد. دیانی معتقد است که دیدگاه رفتارگرا توجه تحلیل گران را به "رفتار جمعی به مثابه فعالیتی معطوف به معنا" جلب می کند و "رویکرد بسیج منابع" بر اهمیت اجزای عقلانی و راهبردی پدیده های به ظاهر غیرعقلانی تأکید می ورزد؛ رویکرد فرآیند سیاسی توجه خود را بر ساخت فرصت های سیاسی متمرکز

نموده است و در رویکرد جنبش های نوین اجتماعی مسائل مربوط به ساختار اجتماعی و هویت های جدید مورد توجه قرار می گیرد. دینانی این دیدگاه ها را نفی کننده ی یکدیگر نمی داند، بلکه معتقد است هریک از این دیدگاه ها به موضوع جنبش های اجتماعی از زوایای گوناگون توجه شود. بر این اساس، وی به طرح نقاط مشترک نظریه های فوق در قالب سه عنصر «شبکه تعاملات غیررسمی»، «اعتقادات مشترک و همبستگی»، «عامل جمعی متمرکز بر منازعات و اعتراضات نامتعارف»، که ریشه تاریخی دارند، پرداخته است. به عقیده دینانی، یک جنبش اجتماعی، شبکه ای از تعاملات غیررسمی بین تعداد متنوعی از افراد گروه ها و سازمان ها است. مرزهای شبکه ی یک جنبش اجتماعی به وسیله هویت جمعی خاصی تعیین می گردد که بین بازیگران درگیر، در تعامل مشترک است. بازیگران جنبش های اجتماعی نیز در برخوردهای سیاسی یا فرهنگی درگیر می باشند و از این طریق تغییرات اجتماعی را در سطوح سیستمی و غیرسیستمی افزایش می دهند و یا به مخالفت با آن می پردازند. بنابراین یک جنبش اجتماعی، شبکه ای از تعاملات غیررسمی بین افراد، گروه ها یا سازمان ها محسوب می شود که بر مبنای یک هویت جمعی مشترک در برخوردی سیاسی یا فرهنگی درگیر می باشند. [۷] به طور کلی افرادی نظیر تورن، هابر ماس و ملوچی برخلاف نظریه های کلاسیک و نهادی، هدف جنبش اجتماعی را تأثیرگذاری بر فرآیند سیاسی قلمداد نمی کنند، بلکه هدف آن ها را در هم شکستن مرزهای نظام اجتماعی و دگرگونی آن می دانند.

الف: ویژگی های جنبش

در کنار ویژگی هایی چون، سازماندهی، مطرح کردن ارزش ها و ایده ها و همبستگی مشترک که در تعاریف مربوط به جنبش ذکر شده است، ویژگی های مشترک دیگری نیز به شرح ذیل معرفی می شود.

۱. داشتن اهداف مشخص و قابل دسترس؛

۲. وجود هویت مشترک و تفکر راهبردی و ایدئولوژی حداقلی که عامل همبستگی و انسجام درونی بوده، هدف را توجیه و مشروعیت جنبش را تقویت نماید و چگونگی دستیابی به هدف را ترسیم کند؛

۳. داشتن رهبری تحول‌ساز و کارآمد که مورد اطاعت و پذیرش اکثریت قریب به اتفاق اعضا و حامیان جنبش باشد؛ [۸]

۴. اصل مخالفت و منازعه در برابر نیروی که تلاش می‌کند تا در برابر آن‌ها مقاومت کند و بر آن‌ها غلبه کند.

۵. فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای ایجاد تحول اجتماعی.

«جنبش‌های اجتماعی» را در دارا بودن چهار خصلت مشابه دانسته‌اند:

۱. وجود شکاف و تضاد بین دو دسته یا قشر از جامعه که بهانه و علت

شکل‌گیری یک تضاد دوگانه و نهایتاً یک جنبش می‌شود.

۲. وجود یک گفتمان یا ایدئولوژی که آموزه‌ها، ایده‌ها و شعارهای مشترک

هواداران جنبش را شامل می‌شود و برای ایشان در جریان قبول یا استقبال از آن آموزه‌ها، موجبات ایجاد و احساس آگاهی، هویت و همبستگی نسبت به یکدیگر را فراهم می‌آورد.

۳. وجود یک شبکه‌ی وسیع روابط جمعی و غیررسمی در میان دسته‌ای از

همفکران، همکاران و دوستان. شبکه‌ای که نهادهای حکومتی را یارای از بین بردن آن به آسانی نباشد.

۴. امکان شکلی از اعتراض جمعی. چنین امکانی معمولاً وقتی فراهم می‌شود که یا

ساختارهای دولت اجازه‌ی فعالیت به جنبش‌ها بدهد، یا دولت ضعیف باشد و قادر به

کنترل فعالیت جنبش‌ها نباشد، و یا نیروی ناشی از بسیج مردمی جنبش چنان قوی باشد که دولت نتواند آن را کنترل کند. [۱۰]

در تحلیل نهضت امام خمینی (ره)، شباهت‌های فراوانی با آنچه ویژگی‌های جنبش

اجتماعی نامیده می‌شود، وجود دارد از جمله:

(۱) اولین خصلت پدیدآورنده و زمینه‌ساز ظهور جنبش وجود شکاف‌های اجتماعی

است. از جمله شکاف‌های قومیتی، جغرافیایی، طبقاتی، مذهبی، نسلی، فرهنگی و ... در

جامعه ایران مجموعه‌ای از شکاف‌های اجتماعی متنوع وجود داشت. وجود این

شکاف‌ها در جامعه ایران به عنوان شرط اولیه ظهور جنبش اجتماعی محقق شده بود.

(۲) عامل مهم دیگری که در تبدیل یک جنبش به انقلاب نقش به سزایی ایفا

می‌کند تأثیر ایدئولوژی در گسترش روحیه انقلابی و اتحاد مردم است. در شکل‌گیری و

پیروزی انقلاب اسلامی ایدئولوژی اسلامی و گفتمان شیعی نقش بسیار مهمی و عمیقی در گسترش روحیه انقلابی و بسیج مردمی داشت.

۳) وجود رهبری کاریزماتیک یکی دیگر از عوامل اصلی پیروزی یک انقلاب به شمار می آید، در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران امام خمینی(ره) به عنوان رهبری کاریزماتیک و هدایتگر و جهت دهنده جنبش نقش اصلی را در پیروزی و پیشبرد انقلاب اسلامی داشت.

۴) وجود نارضایتی های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یکی دیگر از عوامل زمینه ساز ظهور انقلاب است. به عنوان مثال استبداد رژیم پهلوی و شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران در این دوره و مداخله های استعمار در سرنوشت و مقتضیات جامعه، شرایط مستعد رشد جنبش اعتراض آمیز انقلابی به رهبری امام خمینی(ره) را مهیا نمود.

ب: رابطه جنبش و جریان

در خصوص پیوند بین جنبش ها و جریان های اجتماعی باید تأکید داشت که:

۱- جنبش اجتماعی، یک جریان اجتماعی است که ریشه در دگرگونی های تاریخی دارد یعنی منتسب به جریان های اجتماعی هستند که دوره های تاریخی متفاوتی را تجربه کرده اند.

۲. جنبش اجتماعی، حاصل جریان ات اجتماعی با پیشینه و هدفمند است که با اهداف، مسائل خاص و دغدغه های طرفداران آن همراه است.

۳. جنبش اجتماعی، منتسب به یک جریان اجتماعی است که دارای خاستگاه و کانون مرکزی است.

۴. جنبش اجتماعی، یک جریان اجتماعی با نمادها و سمبل های مشخص و معین است.

۵. جنبش اجتماعی، یک جریان اجتماعی با پایگاه اجتماعی معنوی است. پایگاه معنوی جریان ها در قلوب مردم و هواداران که به جریان اعتقاد دارند تجلی می یابد.

۶. جنبش اجتماعی، یک جریان اجتماعی است که دارای پایگاه مادی است. پایگاه اجتماعی مکانی است که نمادهای آن جریان را منعکس می کند. برخی موارد خود

پایگاه در زمره سمبل‌ها و نمادها قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال در جنبش‌های اسلامی، بسیج پایگاه مهم اجتماعی جریان نمادین و یکی از نمادهای مهم محسوب می‌شود.

ج: روند تبدیل جنبش به انقلاب

جنبش، مفهومی است که نسبت به سایر مفاهیم از حیث معنایی با اصلاحات و انقلاب نزدیک است. در واقع جنبش بسترهای تحول در جامعه را شکل می‌دهد که این تحول می‌تواند به انقلاب یا اصلاحات بدل گردد. تفاوت عمده جنبش با انقلاب و اصلاح، در شیوه اجرایی و رفتاری و نیز هدف نهایی است. تغییرات اجتماعی حاصل از جنبش اگر به‌گونه‌ای مسالمت‌آمیز منجر به تغییرات آرام و تدریجی شود، رفرم و اصلاح نام دارد و اگر این تغییرات، اساسی و بنیادی و توأم با خشونت باشد به انقلاب خواهد انجامید. از نگاه شهید محمدباقر صدر، انقلاب جنبش سرسختانه و بر مبنای اصول مکتبی معین است که با درک واقعیت‌های موجود به دنبال تغییر و دگرگونی بنیادین در کلیه ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش‌های ریشه‌ای حاکم است. [۱۱] بروز جنبش‌ها و بحران‌های داخلی، از جمله عوامل تأثیرگذار در کاهش قدرت حکومت مرکزی و بروز جنگ‌های داخلی است. از سوی دیگر متقابلاً افزایش قدرت حکومت مرکزی در سرکوب شورش‌ها و تضعیف جنبش‌ها و برقراری ثبات و امنیت و جلوگیری از بروز جنگ‌های داخلی مؤثر است از طرفی سختگیری‌های بیش از اندازه حکومت مرکزی نسبت به گروه‌های معارض و به کارگیری ابزار سرکوب و زور، موجب گسترش هرج و مرج و تضعیف حکومت مرکزی در اعمال نفوذ مؤثر و پایدار در جامعه می‌شود. همان‌گونه که بروس کوهن معتقد است «همه جنبش‌ها در یک دوران بحرانی آغاز می‌شوند سپس وارد مرحله ناآرامی می‌شوند ناآرامی ناشی از نارضایتی عمومی مرحله برانگیختگی مردم را ایجاد می‌کند و در مرحله چهارم مرحله قالب‌ریزی یعنی ایجاد ساختار سازمان یافته سلسله مراتبی رسمی صورت می‌گیرد و مرحله پایانی مرحله نهادی شده است. در صورتی که جنبش در جذب طرفداران و جلب حمایت عمومی مردم موفق شود، جنبش نهادی می‌شود و نوعی دیوان‌سالاری در جنبش ایجاد می‌شود». [۱۲] از این حیث جنبش، گروهی سازمان یافته و متشکل از اعضا است که به منظور دفاع از عقاید و ارزش‌های خود و یا دستیابی به هدف های مشخصی

(قدرت‌طلبی - تغییر مذهب - تغییر اجتماعی - آزادی خواهی و ...) سعی در گسترش و پیشرفت خود و حتی به دست آوردن قدرت دارد در واقع جنبش، فعالیت‌های سازمان‌یافته گروهی است که می‌خواهند ساختار اجتماعی را تغییر دهند یا به قدرت سیاسی برسند. همه جنبش‌ها اهداف یکسانی را دنبال نمی‌کنند و همه جنبش‌ها به موفقیت نائل نمی‌شوند. به طور مثال، در ۱۳۵۷ جنبش اجتماعی - سیاسی ۱۵ خرداد به رهبری امام خمینی (ره) به مبارزه با قدرت مسلط شاهنشاهی ایران پرداخت و توانست انقلاب اسلامی را موفق و دولت جمهوری اسلامی را براساس مذهب تشیع تأسیس کند. اما سایر نهضت‌ها مانند مشروطیت، اصلاح‌گرایی و ... هر چند چنین داعیه‌هایی داشتند اما نتوانستند پیروز شوند.

۳) مفهوم‌شناسی پدیده انقلاب؛ تعاریف و نظریه‌ها

اکنون با مرور بر برخی تعاریف و نظریه‌های ارائه شده، در خصوص پدیده‌ی انقلاب، ویژگی‌های سازنده و معرف آن را، شناسایی می‌کنیم. نکته‌ی که می‌تواند ما را، به درک بهتر این موضوع یاری کند، توجه به معنای لغوی «انقلاب» می‌باشد. واژه انقلاب از نظر لغوی (به معنای چرخ‌ی که در حال چرخیدن است و لذا شامل چیزهایی است که با چرخش واژگون شده اند)؛ می‌تواند به طور مؤثر برای موقعیت‌هایی در نظر گرفته شود که در آن تغییرات بزرگ در سرشت سیاست و جامعه روی می‌دهد و از نظر سیاسی به معنای اقدام عده‌ای برای براندازی و ایجاد حکومتی جدید است. هریک از نویسندگان داخلی و خارجی متناسب با دیدگاهی که درباره انقلاب دارند، درباره این واژه توضیحاتی را ارائه داده اند. در ابتدا واژه‌ی انقلاب به معنای «حرکت در دایره» در «ستاره‌شناسی» به کار می‌رفته، و به گفته‌ی «هانا آرنه» به واسطه‌ی اثر بزرگ «کپرنیک» [۱۳] در علوم طبیعی دارای اهمیت شد. [۱۴] «هانا آرنه» از نظریه پردازان انقلاب در پیشینه تاریخی مفهوم انقلاب چنین می‌نویسد: "کلمه انقلاب در اصل از مصطلحات اخترشناسی است که به واسطه اثر بزرگ کپرنیک در علوم طبیعی از اهمیت خاصی برخوردار شد. این واژه در کاربرد علمی معنای دقیق لاتینی خود را که دال بر حرکت دورانی منظم و قانونمند ستارگان بود حفظ کرد. در سده هفدهم واژه انقلاب برای نخستین بار به صورت یکی از اصطلاحات سیاسی در سال ۱۶۶۰ پس از دگرگونی سیاسی در یکی از کشورها به کار رفت در معنای دیگر سیاسی، این کلمه درباره انتقال

از عصر کشاورزی به دوره صنعتی به ویژه در ممالک غربی به کار می‌رود که در آنجا صنعتی شدن به همراه شهرنشینی حاصل از آن بر آخرین مرحله توسعه این جوامع اثرات بسیار چشمگیری داشته است " انقلاب به‌عنوان یک پدیده به تغییر اساسی در نهادها و برنامه‌های کاری و ماهیت کلی حکومت و نیز روابط آن با جامعه اطلاق می‌شود. بنابراین انقلاب‌ها نسبت به کودتا و دیگر اشکال غلبه بر حکومت از قدرت دگرگونی عمیق‌تری برخوردار است. کودتاها اغلب تنها شامل تغییراتی در صاحبان مقام یا حداکثر سیاست‌هایشان است. اما انقلاب دربرگیرنده تغییرات ساختاری در ترکیب اساس و عملکردهای دولت و بنابراین چگونگی روابط حکومت و جامعه است. انقلاب‌ها شامل اجزایی هستند که همیشه آسان به دست نمی‌آیند میلیون‌ها نفر مردم که برایشان پیگیری یک آرمان ضروری‌تر از کارهای روزمره زندگی شده است با فروپاشی نهادهای دولتی و جایگزینی آن با نهادهای جدید دیگر، نظامی سیاسی که کاملاً متفاوت از نظم قدیم است ایجاد می‌کنند. این تغییرات نه فقط در داخل کشور بلکه در سطح منطقه‌ای و جهانی طنین‌انداز می‌شود و بر توازن قوا، ائتلاف‌ها و اقتصاد بین‌الملل تأثیر می‌گذارد. [۱۵] انقلاب‌های کامل را می‌توان به‌عنوان تغییرات نادر و بنیادین‌تر در نظام سیاسی قلمداد کرد که ضمن آن گروه‌های اجتماعی به قدرت می‌رسند و دولت کارهای جدیدی را به شیوه‌ای دیگر احتمالاً با ادعایی متفاوت در مورد مشروعیت بر عهده می‌گیرد [۱۶] آنچه، در ادبیات سیاسی، «انقلاب» محسوب می‌گردد، در واقع نمونه‌ای از یک جریان کلی تغییرات سریع، وسیع و عمیق می‌باشد، که به فراخور حوزه‌ی تخصصی، برگزیده و مطالعه می‌شود، بنابراین در توجه به آن نباید از سایر وجوه حیات انسان امروز غافل بماند، چرا که پدیده‌ی انقلاب نیز، دستاورد و ثمره‌ی تعامل شرایط خاص هر جامع، با محیط پیرامون آن است، و از این رو «انقلاب»، مفهومی جدا افتاده، و حادثه‌ای غریب و بی‌ارتباط با سایر اتفاقاتی، که ما را احاطه کرده‌اند، و بر سرنوشت ما تأثیر (مثبت و منفی) می‌گذارند، نمی‌باشد. پدیده‌ی انقلاب به‌طور مشخص، عصیان علیه نظام سیاسی حاکم و پدیده‌ی متعلق به دوران کنونی است. در واقع با رنگ باختن لزوم اطاعت سیاسی، به دلایل مختلف، رفتارهای سیاسی حالتی، معارضه‌جویانه می‌یابند، و بدین ترتیب زمینه‌ی پذیرش اندیشه‌های انقلابی، فراهم می‌آید، اندیشه‌هایی که، در نظریه‌های انقلاب، به آن‌ها پرداخته می‌شود. تاکنون تعاریف مختلفی از چیستی انقلاب اشاره شده است و نظریه‌پردازان هریک بر مبنایی خاص

تعاریف مختلفی از انقلاب به دست داده‌اند. هانا آرنت بر این باور است که انقلاب‌های مدرن به‌طور شگفت‌انگیزی از نوع و طبقه کاملاً متفاوتی هستند، زیرا که هدف آن‌ها در آزادی و آزادسازی از نظم قدیمی است. وی اضافه می‌کند که انقلاب دربرگیرنده حالت خاصی است که دور تاریخ به ناگهان عصر جدیدی را آغاز می‌کند که کلاً داستان جدیدی است، داستانی که هرگز قبلاً نه شناخته شده و نه گفته شده است و می‌رود که آغاز گردد. [۱۷] هانا آرنت، در کتاب مفصلی که در خصوص انقلاب نوشته است، تعریف مشخصی از انقلاب ارائه نمی‌کند، به‌زعم وی، انقلاب، تنها رویداد سیاسی است، که مستقیماً ما را به‌گونه‌ای پرهیزناپذیر، با مس‌ی آغاز روبرو می‌کند. انقلاب به هر شکل که تعریف شود، فقط به معنای دگرگونی نیست. [۱۸] «فقط هنگامی می‌توان، از انقلاب، سخن گفت، که دگرگونی به معنای آغازی تازه باشد، و خشونت، به منظور تشکیل حکومت، به شکلی نو و ایجاد سازمان‌های سیاسی جدید برای جامعه به کار رود، که در آن، رهایی از ستمگری، به قصد استقرار آزادی صورت پذیرد. [۱۹] از نظر آرنت انقلاب به‌عنوان قیام خود انگیخته‌ی ملت» [۲۰] می‌باشد. «آنتونی گیدنز»، جامعه‌شناس انگلیسی گفته است: «رهبران انقلابی آمریکا و فرانسه اعلام کردند، که انسان‌ها آزاد و برابر متولد شده‌اند، اما در حکومت شاهان و سایر مقامات همگان ستم دیده‌اند؛ انقلاب وسیله‌ی بازگرداندن وضعیت سعادت‌مندانه طبیعی، به آن‌هاست.» [۲۱] از نظر «گیدنز» «انقلاب» عبارتست از: «تصرف قدرت دولتی، از طریق وسایل خشن، به‌وسیله‌ی رهبران، یک جنبش توده‌ای، به منظور استفاده‌ی بعدی از آن، برای ایجاد اصلاحات عمده‌ی اجتماعی.» [۲۲] از نظرگاهی دیگر؛ «انقلاب نوع خاصی از تحول اجتماعی است، که توسط آن، عامل خشونت، به روابط صلح‌آمیز و عادی جامعه راه می‌یابد. گذشته از این، انقلاب به‌گونه‌ای از رفتار سیاسی و یک مفهوم علمی، به ساخت^۱ جامعه ارتباط می‌یابد، ساخت و بافتی، که وجدان اجتماعی و قوانین حاکم بر جامعه، به آن موجودیت می‌بخشند. جی، سی، دیویس می‌نویسد: «انقلاب را آشوب خشن مدنی تعریف می‌کنیم، که باعث می‌شود، جای گروه حاکم را طبقه‌ی دیگری بگیرد، که پایه‌های حمایتی بیشتری در بین مردم دارد.» [۲۳] کرین بریتون آن را نشانه یک عصر نوین می‌داند که در آن کثرت‌فکاری‌های رژیم پیشین پایان می‌یابد. [۲۴] آرتور

1. Constution.